

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۲، زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۶۰-۲۷۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۹

(مقاله پژوهشی)

DOI:

۲۶۰

دوزخ در شعر سنائی غزنوی (توصیف‌ها و برداشت‌های متفاوت با قرآن)

دکتر مریم محمدزاده^۱

چکیده

سنائی غزنوی دوران‌سازترین شاعر زبان فارسی است، یعنی شعر را می‌توان به قبل و بعد از سنائی تقسیم کرد. از همین روی است که بسیاری از افکار، باورها و موضوعات نیز در شعر سنائی متفاوت از شاعران پیش از وی یا معاصر با اوست. برداشت‌های متفاوت سنائی از قرآن، حکایت از اشراف و تسلط بسیار وی بر قرآن دارد. از جمله موضوعاتی که در شعر سنائی می‌توان با استناد به آن به این برداشت‌ها، تعبیر و تصاویر متفاوت از قرآن تأکید کرد؛ موضوع دوزخ و جلوه‌های مربوط به آن است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد سنائی به عنوان شاعری مُتشرّع و عارف، جهنّم را جایگاهی برای عذاب گناهکاران در حیات اخروی می‌داند؛ اما توصیف‌ها، برداشت‌های شاعرانه و دریافت‌های باطنی وی از مفهوم جهنّم، گاهی متفاوت و حتی مُغایر با قرآن است و برخی از توصیفات وی از جهنّم و جهنّمیان، مُطابق هیچ کدام از آیات قرآن نیست. این برداشت‌های عارفانه متفاوت از آیات قرآنی در شعر سنائی، صرفاً ماهیت اقناعی دارد و شاعر کوشیده است با احتجاج و حجّت بخشی به سخنان خود مخاطب را اقناع و با خود همراه سازد.

کلیدواژه‌ها: جهنّم، قرآن کریم، برداشت‌های متفاوت، سنائی غزنوی.

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.



مقدمه

جهان پس از مرگ و عناصر تشکیل‌دهنده آن از قبیل جهنم، بهشت، برزخ و... که حجم وسیعی از معارف در اساطیر ملل مختلف را به خود اختصاص داده، به یک صورت در ادبیات ملل تکوین نیافته؛ چنان که در برخی اساطیر یونان، سرزمین مردگان در زیر زمین است، ولی در نزد اقوام دیگر مانند هندی‌ها و آریاییان قبل از زرتشت، این جهان در آسمان قرار دارد.

اوستا را می‌توان نخستین کتاب مقدسی دانست که در آن، اعتقاد به جهان پس از مرگ، به صورت سه دنیای بهشت، دوزخ و برزخ نمایانده شده است. بهشت در آسمان، دوزخ در درون زمین و برزخ، بین زمین و آسمان قرار دارد. پس از زنده شدن مردگان، در مدت سه روز، به اعمال آن‌ها رسیدگی می‌شود و سرانجام تمام گناهکاران وارد بهشت می‌شوند. تورات از جهان بازگشت، بهشت و جهنم، کمتر سخن به میان می‌آورد. در انجیل از بهشت و دوزخ نام برده شده و بارها از عذاب جهنم که به صورت آتش است، برای انذار بندگان استفاده شده است. در اسلام نیز، اصل ایمان به حیات اخروی، یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی است و در قرآن درباره حقیقت جهنم، اوصاف جهنم، عذاب‌های جهنم، تفاوت درجات جهنم، تجسم اعمال در جهنم، درهای جهنم، مظاهر جهنم و... به تفصیل سخن گفته شده است. با این وجود ادبایی همچون سنایی دریافت‌های خاص خود را درباره دوزخ، در اشعار خویش بازتاب داده‌اند. پژوهش حاضر، درصدد بررسی وجوه تشابه و تفاوت تصاویر و تجلیات جهنم در اشعار سنائی غزنوی با آموزه‌های قرآن است و می‌خواهد به بررسی این تشابه‌ها و مهمتر از همه تفاوت‌ها بپردازد.

پیشینه تحقیق

بحث درباره بهشت و جهنم از همان زمانی که تفسیر قرآن و مباحث کلامی پیش آمد، کم و بیش در کتاب‌های تفسیری - کلامی، فرق اسلامی آمده و اگرچه تألیف مستقلی در همه ابعاد این موضوع صورت نگرفته، ولی همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است؛ چنان که گاهی تألیفاتی در یکی از ابعاد موضوع بهشت و جهنم نوشته شده است، لیکن نتیجه مطالعات و بررسی پیشینه در موضوع پژوهش، بیانگر آن است که جای تحقیقاتی که تصاویر و تجلیات ارائه شده درباره جهنم را در شعر فارسی و آموزه‌های قرآنی به شکلی بایسته مورد

کاوش قرار دهد، کاملاً خالی است؛ با این حال، گاهی به بررسی تطبیقی بهشت و جهنم در آثار مختلف پرداخته‌اند که از آن میان است:

نویسنده «بررسی و مقایسه مفهوم بهشت و جهنم در دین اسلام و زرتشت با تأکید بر متون مقدس»، معاد و مفهوم بهشت و جهنم را از دیدگاه این ادیان واکاوی کرده است. (ر.ک: نواری، ۱۳۹۲) در مقاله «ادب عرفانی و مسئله ورود به جهنم، با استناد به مفاد آیات ۷۱ و ۷۲ سوره مریم»، موضوع ورود همه انسان‌ها به آتش جهنم، بررسی و این نتیجه عنوان شده است که ورود به آتش جهنم برای انسان مؤمن و مخلص، نه تنها هیچ‌گونه آسیبی نمی‌رساند؛ بلکه جهنم در قبال نورایمان افراد مؤمن، تبدیل به گلستان می‌شود. (ر.ک: حدیدی، ۱۳۸۶) «تطبیق اوصاف بهشت و بهشتیان و جهنم و جهنمیان در قرآن و صحیفه سجّادیه»، به اثبات این نکته پرداخته که اوصاف مطروحه در مورد بهشت و بهشتیان و جهنم و جهنمیان در صحیفه سجّادیه، عیناً همان اوصاف مطرح شده در قرآن است. (ر.ک: مرعشی، ۱۳۹۶) نویسنده «بهشت و جهنم در اندیشه امام خمینی و ملاصدرا و مناسبات آن با آیات و روایات»، پس از تبیین معنای لغوی و اصطلاحی بهشت و جهنم به بیان ماهیت و حقیقت بهشت و جهنم پرداخته و ضمن بیان رابطه آنها با تجلیات اسماء و صفات الهی به واکاوی رابطه درجات بهشت و درکات جهنم با اعمال و ملکات وجودی انسان توجه کرده است. (ر.ک: رحیمی، ۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی اوصاف بهشت و بهشتیان و جهنم و جهنمیان در رساله سیرالعباد، کمدی الهی دانتّه و ارداویرافنامه»، به این نتیجه رسیده است که دیدگاه سنایی نسبت به بهشت و جهنم و ساکنان آنها، از دین مبین اسلام و توصیف‌های قرآن در خصوص بهشت و جهنم نشأت گرفته است. در ارداویرافنامه، نویسنده به جای توصیف دقیق ویژگی‌های ظاهری بهشت، به تبیین پاداش کارهای نیک و جزای کارهای ناپسند پرداخته و از توصیف جزئیات بیشتر بهشت و جهنم خودداری کرده است. در کمدی الهی نیز توصیف بهشت و جهنم از اندیشه‌ها و فلسفه غرب و از همه مهمتر دین مسیح نشأت گرفته است. (ر.ک: رستمی شاهرودی، ۱۳۹۶) مقاله «اقسام و القاب بهشت در قرآن و شعر فارسی تا قرن هشتم هجری» در صدد تبیین این نکته است که بر خلاف تصوّر عمومی که به هشت بهشت اعتقاد دارند و در ادبیات فارسی نیز انعکاس یافته است، تأمل در آیات ۴۶ و ۶۲ سوره الرحمن و تفحص در آیات دیگر، نشان می‌دهد که در این کتاب آسمانی، به طور خاص از چهار بهشت جنّه‌العدن، جنّه‌المأوی، جنّه‌النعم و جنّه‌الفردوس نام برده شده

است. دارالسلام، دارالقرار، خُلد و علّین نیز که همراه با واژه جَنّه نیامده‌اند، صرفاً توصیفی برای بهشت هستند که جایگزین موصوف شده‌اند و نباید بهشت‌های مجزایی در نظر گرفته شوند. (ر.ک: محمدزاده، ۱۳۹۷)

روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و دست یافتن به یافته‌ها و استنتاج کلی، ساختارهای اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

مبانی تحقیق

سنایی

شاعر و عارف نامدار نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم، کاروانسالار شعر عارفانه و راهگشای بزرگانی چون عطار، مولانا، خاقانی و نظایر آنان است که به عنوان عارفی برجسته، قرآن را به عنوان یکی از منابع مهم تلقی می‌کند و در موارد مختلفی برای اثبات دیدگاه خود به آن استناد می‌کند و برداشت‌های و دریافت‌های باطنی وی از آیات، گاهی متفاوت و حتی مغایر با قرآن است.

قرآن

کتاب مقدس دین اسلام است که به زبان عربی، به صورت وحی بر پیامبر خاتم نازل شده است.

برداشت‌های متفاوت

تفسیر قرآن بر اساس برداشت‌های متفاوت و استنباط‌های متمایز است؛ چنانکه مفسران در استنباط معانی آن، از نظر شیوه و اسلوب، اختلاف‌های زیادی دارند. هریک از آنها، قرآن را از زاویه‌ای مورد مطالعه قرار داده‌اند به طوری که تفاسیر هر یک با هم متفاوت و برداشت‌ها از یکدیگر متفاوت گشته است. عرفا نیز با تکیه بر معرفت خاص خود و کشف و شهود، با روشی متمایز به تفسیر قرآن پرداخته‌اند.

جهنم

در معنی واژه جهنم، میان لغت‌نامه نویسان و مفسران، بحث‌های بسیاری وجود دارد. برخی بر این باورند که این واژه، عبرانی است و اصل آن، کِهَنام بوده و با تعریب، جهنم شده است.

(ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۲ق: ۱۱۲/۱۲) برخی، ریشهٔ عبرانی آن را جحینوم دانسته‌اند که محلی در چهارکیلومتری قدس بوده و زباله‌های شهر و لاشه‌های حیوانات را در آن جا می‌سوزاندند. (ر.ک: جواد علی، ۱۴۲۲ق: ۶/۶۷۹) به تونل زیر حمّام که حرارت در آن می‌دمند تا زمین حمّام را گرم کند نیز جهنّم می‌گویند. بعضی آن را به معنی آتش و برخی دیگر، به معنی عمیق و ژرف دانسته‌اند؛ چنان که در لغت‌نامهٔ دهخدا آمده «جهنّم به معنی عمق زیاد است؛ لذا بئر جهنّم و جهنّم به معنی چاه عمیق آمده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷)؛ ولی در قرآن مجید، نامی است برای محلی که مملو از انواع عذاب‌ها و کانون قهر و غضب الهی است.

بحث

مراتب و طبقات جهنّم

گویند که دوزخ، یکی است مگر این که هفت طبقه دارد؛ چنانکه در حدیثی از علی (ع) می‌خوانیم که فرمود: «جهنّم هفت در دارد و این درها طبقاتی هستند که هر یک بالای دیگری است... پایین‌ترین طبقه، جهنّم است و بالای آن سعیر و بالای آن هاویه است.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۳۳۸) در بعضی از روایات نیز آمده که پایین‌ترین نقطه آن، هاویه و بالاترین نقطه آن جهنّم است. همین تقسیم‌بندی از طبقات جهنّم، سبب به وجود آمدن اصطلاح هفت دوزخ در ادبیات فارسی شده و در اشعار سخنوران، ابیاتی وجود دارد که به هفت دوزخ اشاره دارند؛ چنان که عطار، هشت بهشت را آستانه‌ای از بارگاه الهی می‌داند و هفت دوزخ را در مقابل آن، زبانه‌ای بیش نمی‌بیند (ر.ک: عطار، ۱۳۸۳: ۲۳۵) این مفهوم در دیوان سنایی نیز بازتاب دارد؛ چنان که گوید:

مرد آن باشد که متواری شود سیمغ‌وار
هشت جنت زیر پر و هفت دوزخ زیر بال
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۴۵)

ادوارد براون به نقل از کتاب عقائد الشیعه، اشاره‌ای به هفت دوزخ دارد و می‌نویسد: «هفت دوزخ عبارتند از: جهنّم، سعیر، جحیم، لظی، حطم، هاویه و سقر (براون، ۱۳۶۱: ۴/۲۷۶). هر یک از این مراتب، توصیفات و تجلیاتی در قرآن و شعر سنایی دارند که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

لظی

لظی در اصل به معنی آتش یا شعلهٔ خالص آتش است. بعضی گفته‌اند (لظی) نام و ادبی از

جهنم است. (ر.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۹۷/۱۴) ولی به گفتهٔ لسان‌العرب و مفردات راغب، این واژه، نامی از نام‌های دوزخ است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷)؛ لذا به خاطر عَلم بودن و تأنیث، غیرمُصرف است. بنا به نصّ صریح قرآن، لظی، آتش سوزانی است که دست و پا و پوست سر را می‌کند و طاغیان فرمان الهی (المعارج/ ۱۸-۱۵) و اشقیا وارد آن می‌شوند (لیل/ ۱۴)؛ چنانکه در سورهٔ معارج، پس از اشاره به حال مجرمانی که در قیامت دوست دارند همسر و برادر و فرزندان خود را برای نجات خویش قربانی کنند می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَى * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى * تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى * وَ جَمَعَ فَأَوْعَى» (المعارج/ ۱۸-۱۵) «آن گونه نیست که آنها می‌پندارند؛ بلکه آن لظی، آتش سوزان است - که دست و پا و پوست سر را می‌کند و کسانی را که به فرمان خدا پشت کرده‌اند فرا می‌خواند.» (فولادوند، ۱۴۱۵: ۵۶۹/۱)

در این آیه، «لظی، حکایت از اشتعال دائمی آن دارد، مراد از نَزَّاعَةً... شاید اشاره به احاطهٔ آن از همه طرف باشد. تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ... حکایت از شعور و احساس آتش دارد. یعنی: آتش جهنم می‌خواند آن کس را که به دعوت انبیاء پشت کرده و از بندگی حق، اعراض نموده و اموال را ذخیره کرده و در راه حق و تأمین بیچارگان خرج نکرده است.» (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۱/۳۳۷) در شعر سنائی به لفظ لظی اشاره‌ای نشده است.

سقر

سقر در اصل از مادهٔ سَقَر به معنی دگرگونی و ذوب شدن بر اثر تابش آفتاب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). در التحقیق فی کلمات القرآن آمده که سقر به معنی حرارت شدیدی است که رنگ اشیاء یا صفات آن‌ها را دگرگون می‌سازد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵) و از آنجا که جهنم این دگرگونی را به نحو شدید دارد، به عنوان یکی از نام‌های جهنم انتخاب شده است. بعضی معتقدند که سقر، نام تمام دوزخ نیست؛ بلکه «بخش خاصی از دوزخ است که سوزندگی فوق‌العاده عجیبی دارد.» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۰۸/۹) برخی نیز آن را نام یکی از درّه‌ها و وادی‌های دوزخ می‌دانند. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۲۳/ ۷۷؛ ثقفی، ۱۳۹۸: ۳۰۴/۵) بنا به نصّ قرآن، سقر، آتشی است که هر که را در آن اندازند بر وی ابقا نکند؛ بلکه بسوزاند و هلاک گرداند. نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند. (المدرثر/ ۲۸-۲۶) هنگامی که گناهکاران وارد سقر می‌شوند، نوزده نگاهبان که فرشتگان عذاب‌اند به پیشباز ایشان می‌آیند. (المدرثر/ ۳۰)

در ادب فارسی، سنائی، سقر را جایگاه آتش پرستان و مجوسان می‌داند و ضمن آن که روی آوردن به سالوس و ریا و خدعه و نیرنگ را جزو عوامل ورود به سقر برمی‌شمارد (ر.ک: سنائی، ۱۳۷۷: ۷۴۲)، ساکنان جهنم را افرادی معرفی می‌کند که به کفر و مظاهر عالم کثرت توجه دارند.

آدمی را که بر سقر گذرست جلوه‌گر کفر و دین و خیر و شرست
تا چو در بوتۀ هلاک شود ز آنچه آلوده گشت پاک شود
(همان: ۱۷۰-۱۶۹)

بر اساس برداشت‌های شاعرانۀ سنائی، سقر، سگ‌هایی دارد که مالک، نگهبان دوزخ از آن‌ها با استخوان‌های دوزخیان پذیرایی خواهد کرد:

ز آن پیش کز استخوان تو مالک سگان سقر را کند میهمانی
(سنائی، ۱۳۶۲: ۴۳۳)

هاویه

هاویه از ماده هَوِی به معنی افتادن و سقوط کردن، یکی از نام‌های جهنم است؛ زیرا کافران و مُجرمان در آن سقوط می‌کنند. اشاره به عمق دوزخ نیز می‌باشد. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۲ق). در روایت آمده است که هاویه، درکه عمیقی برای اهل نار است. (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۰/۳۳۱) بر اساس آیات قرآن نیز هاویه، پناهگاه کسانی خواهد بود که ترازوهای اعمالشان سبک باشد. (القارعه/ ۸-۱۲)

سنایی در مثنوی سیرالعباد، هاویه را در مقابل فردوس و در معنای دوزخ به کار برده است (ر.ک: سنایی، ۱۳۶۰: ۲۷۰) و در حدیقه الحقیقه، ضمن آنکه جایگاه معاویه را در قعر هاویه معرفی می‌کند. (ر.ک: سنایی، ۱۳۷۷: ۲۵۹) در ابیات متعددی بر این نکته تأکید می‌کند که چنان که آرزوها مهار شود؛ آدمی می‌تواند از هاویه و سوزندگی آن، نجات یابد. (ر.ک: همان: ۲۳۲)

سنائی در حدیقه به منظور احتجاج و مُتقاعد کردن مُخاطب، علت رانده شدن عزازیل را «هوی» و جایگاه او را هاویه عنوان کرده است، لیکن در قرآن به این نکته که جایگاه ابلیس در هاویه می‌باشد؛ اشاره ای نشده است:

ز آن عزازیل با هوا پیوست زان وُرا هاویه است جای نشست
(همان: ۳۲۴)

سنائی در بخش دیگری از حدیقه، معاویه را نیز به خاطر تبعیت از عزازیل، هاویه نشین ساخته است:

آن که مرد دها و تلبیس است آن نه خال و نه عم که ابلیس است
و آن که خوانی کنون معاویه‌اش دان که در هاویه است زاویه‌اش
(همان: ۳۲۵)

حطمه

حطمه، صیغهٔ مبالغه از مادهٔ حطم به معنی در هم شکستن است. بعضی آن را به معنی درهم شکستن اشیاء خشک می‌دانند؛ لذا به سال‌های قحطی، حطمه گفته می‌شود؛ زیرا همه چیز را در هم می‌شکند؛ بنابراین نام‌گذاری دوزخ به عنوان حطمه به خاطر آن است که آتش سوزانش همه چیز را درهم می‌شکند و متلاشی می‌سازد. از بعضی از روایات استفاده می‌شود که حطمه، نام تمام جهنم نیست؛ بلکه نام بخش فوق‌العاده سوزانی از آن است؛ لذا گفته می‌شود که هر یک از نام‌های جهنم از جمله حطمه، اشاره به بخش خاصی از دوزخ می‌باشد. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۱۶/۲۷). برخی نیز گویند: «حطمه درکه‌ای است از درکات دوزخ و آتشی است که شکنندهٔ هر چیز است... از شرارهٔ آن آتش بر دل‌ها رسد؛ یعنی با آن که مکان دل در چند پوشش است با این وصف از همه بگذرد و به او رسد.» (ر.ک: بروجردی، ۱۳۶۶: ۷/۴۹۲) بر اساس قرآن، حطمه، همه چیز را متلاشی می‌سازد و شرارهٔ آن آتش بر دل‌ها رساند (الهمزه/۷-۴)؛ لیکن در اشعار سنائی هیچ اشاره‌ای به حطمه نشده است.

سعیر

سعیر، چیزی است که حرارت شدید داشته و ملتهب گردد. (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵: ۵/۲۶۸) به معنی جنون نیز آمده است؛ چرا که در این حالت، شخص شعله‌ور می‌گردد و هیجان به او دست می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) «گفته‌اند سعیر، نام درکتی است خاص» (سورآبادی، - ۱۳۸۰: ۳۸۸/۱) یا «طبقه‌ای از طبقات جهنم» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۴۹۳) و نیز گویند: «سعیراً نامی است آتش را که برافروخته باشند و گرم کرده، گویند: درکهٔ ششم است از درکات دوزخ.» (میددی، ۱۳۷۱: ۲/۴۳۳) قمی از امام سجّاد (ع) نقل نموده که «سعیر، نام وادی است در جهنم که هر زمان آتش آن فرونشیند از وادی سعیر به آن کمک رسد.» (ثقفی‌تهرانی، ۱۳۹۸: ۳/۳۹۶) به استناد قرآن، تصرف کنندگان در اموال یتیمان (النساء/۱۰)؛ روی برگرداندگان

از پیامبران (النساء/۵۵)؛ کافران به آیات قرآن (الاسراء/۹۸-۹۷، الاحزاب/۶۴، الفتح/۱۳، الانسان/۴، الانشقاق/۱۲، سبأ/۱۲)؛ تکذیب کنندگان قیامت (الفرقان/۱۱، الشوری/۷)؛ تبعیت کنندگان از شیطان (حج/۴ فاطر/۶، الملک/۵) و پیروی کنندگان از نیاکان باطل (لقمان/۲۱، الملک/۱۰، الملک/۱۱) را سعیر در کام خود فرومی‌برد.

سنایی، آلوده شدن به کینه و خیانت را از عواملی می‌داند که سبب رهسپار شدن آدمی به قعر سعیر می‌شود.

گه شرار غضب شود به اثیر گه کشد غل و غش ترا به سعیر
(سنائی، ۱۳۶۲: ۲۰۵)

از این رو، به خوانندگان هشدار می‌دهد که از برای لقمه‌ای نان، خود را مستوجب سعیر نکنند (همان: ۲۹۴).

جهنم

در این که جهنم از چه ماده‌ای مشتق است دو قول وجود دارد:

«از جهومه به معنای خشونت و تندی. از بثر جهنم به معنای چاهی که بسیار گود است و ته آن ناپیدا است.» (سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲/۱: ۱۵۵) به تصریح قرآن، طاغیان از اوامر الهی (بقره/۲۰۶، هود/۱۱۹، الرعد/۱۸، فرقان/۳۴، ص/۵۶)؛ کافران (النساء/۱۴۰، الانفال/۳۶ و آل - عمران/۱۲، النساء/۱۶۹، الملک/۶، ابراهیم/۱۶ و ۲۹ و ۴۳، الاسراء/۸، کهف/۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۶، عنکبوت/۵۴، فاطر/۳۶، المومنون/۱۰۳، زمر/۷۱، ق/۲۴، سجده/۱۳، بینه/۶، طور/۱۳)؛ مغضوبان الهی (آل عمران/۱۶۲، اسراء/۹۷)؛ زرانندوزان (آل عمران/۱۹۷، توبه/۳۵، الاسراء/۱۸)؛ قاتل مؤمنان (النساء/۹۳)؛ متخلفین از هجرت (النساء/۹۷)؛ مخالفان پیامبر (النساء/۱۱۵، توبه/۶۳، مجادله/۸، جن/۲۳)؛ پیروان شیطان (النساء/۱۲۱، اعراف/۱۸، الاسراء/۶۳، مریم/۶۸، ص/۸۵)؛ ظالمان (اعراف/۴۱)؛ اعراض کنندگان از جهاد (الانفال/۱۶، توبه/۴۹ و ۸۱)؛ منافقان (توبه/۶۸، ۷۳، ۹۵ و ۱۰۹، فتح/۶، تحریم/۹)؛ متکبران (نحل/۲۹، زمر/۷۲، غافر/۷۶ و ۶۰)؛ مشرکان (الاسراء/۳۹، انبیاء/۲۹ و ۹۸، عنکبوت/۶۸، زمر/۳۲ و ۶۰، جائیه/۱۰، الرحمن/۴۳، یس/۶۳، زخرف/۷۴، مریم/۸۶، طه/۷۴) و آزار رسانندگان به مؤمنان (بروج/۱۰، غافر/۴۹، فرقان/۶۵) گرفتار جهنم خواهند شد.

سنایی ضمن آن که بر اساس آیات قرآن، جهنم را جای بدکاران و گناهکاران معرفی می‌کند، با تلمیح به آیه ۷۱ و ۷۲ سوره مریم، ورود همه انسان‌ها به جهنم را یک اصل مسلم و حتمی

می‌داند:

آن زمانی که جبرئیل امین آیت آورد بر رسول گزین
که بُود اَمّت تو را ناچار بر جهنّم به جمله راه گذار
نیک و بد واردند بر آتش خواه خوش دل نشین و خواه ناخوش

(سنائی، ۱۳۷۷: ۲۸۴)

بر اساس آیه مبارکه «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه/۳۵)، خداوند سبحان به صورت کلی، دلیل چشیدن آتش دوزخ را جمع‌آوری ثروت عنوان کرده است، در حالی که سنائی با برداشت آزاد از عبارت «تکنزون»، «کنز: گنج» را به «سیم: نقره» ترجمه کرده است:

حرص دنیا تو را چنان کرده است که خدا را دلت بیازرده است
سیم دارد تو را چنان مشغول که نترسی تو از خدا و رسول
گر صد آیت بخوانی از تحریم باک نآید تو را که باید سیم
یوم یحیمی نخوانی از قرآن وای بر جان ابله نادان

(سنائی، ۱۳۷۷: ۳۶۸)

جحیم

واژه جحیم چنان‌که از تعبیرات قرآن مستفاد می‌شود، یکی از نام‌های دوزخ و از ماده جَحَم است که به معنی شدّت برافروختگی آتش است. (رک: حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق: ۱/۳۱۳) در مُفردات نیز بر همین معنی تأکید شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)؛ ولی صحاح اللغة، آن را به معنی آتش عظیم تفسیر کرده که طبعاً با حرارت و التهاب همراه است. (جوهری فارابی، ۱۴۰۷ق) تکذیب کنندگان آیات الهی (مأثده/ ۱۰ و ۸۶، حدید/ ۱۹، حج/ ۵۱، مطففین/ ۱۶)؛ مشرکان (توبه/ ۱۱۳، صافات / ۱۶۳ و ۵۵)؛ گمراهان (شعرا/ ۹۱، صافات/ ۶۸، الحاقه/ ۳۱)؛ کافران (صافات/ ۲۳، دخان/ ۴۷، نازعات/ ۳۹، مزمل/ ۱۲، واقعه/ ۹۴) و فجّار (الانفطار/ ۱۴) افرادی هستند که وارد جحیم خواهند شد.

سنایی ضمن آن که دینداری را دارویی می‌داند که مؤمن با توسّل بدان می‌تواند از شعله‌های جحیم نجات یابد (رک: سنایی، ۱۳۷۷: ۴۰۸) کشتن بی‌گناهان را عامل ورود به جحیم معرفی می‌کند (رک: همان: ۵۵۳) و کردار بد آدمیان را به منزله حُفره‌ای از جحیم عنوان می‌کند:

نیک تو توشه‌ای شود ز نعیم بد تو خُف‌ره‌ای شود ز جحیم
(همان: ۴۱۸)

سنائی بر اساس برداشت‌های شاعرانه و دریافت‌های باطنی خود از آیه مبارکه «لَکَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَتَتَفَرَّحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ لِلَّهِ لَأُيْحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (حدید/۲۳)، بهشت را به «شریت» و جحیم را به «ضریت» مانند کرده است که چنین دیدگاهی مُبْتَنی بر برداشت شاعرانه سنائی است نه مُبْتَنی بر آیات قرآن:

از دو بیرون نیست الا یا شربتی یا ضربتی گر نعیم آید مناز و گر جحیم آید منال
(سنائی، ۱۳۷۷: ۳۴۵)

درهای جهنم

قرآن، جهنم را مانند بهشت دارای درهایی می‌داند و می‌فرماید: دوزخ هفت در دارد و برای هر دری گروهی از پیروان شیطان تقسیم‌اند (حجر/۴۳-۴۲). افراد به تناسب میزان کفر و گناه در طبقه خاصی جای خواهند گرفت (زمر/۷۱) و هر طبقه‌ای از آن دروازه خاصی دارد که از آن جا وارد آن طبقه می‌شوند. (زمر/۷۲) برخی از مفسرین بر این باورند «این که درها و درکات و مراتب جهنم، هفت است به اعتبار طبقات هفتگانه زمین است.» (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲: ۵۹/۸-۵۸) برخی نیز گویند: «مُرَاد از ابواب، درکات است که به حسب مراتب در آن درآیند. طبقه اوّل جهنم است و آن جای گناهکاران است از اهل توحید. دویم لُطی که جای ترسایان است. سیم حطمه که جای جهودان است. چهارم سعیر که از آن صایبان است. پنجم سقر که مقرّ گبران است. ششم جحیم که محل مشرکان است. هفتم هاویه که درک الاسفل گویند که نامزد جمیع منافقان است.» (کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۰/۳) عبدالله بن سنان روایت کرده است که: «دوزخ را هفت در است و آن هفت درکه است، بهری بر بالای بهری نهاده.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۱/۳۲۶)

البته خدای سبحان در هیچ جای کلام خود، بیان ننموده که مُراد از این ابواب: درها چیست؟ آیا مانند درهای خانه و چهار دیواری است که در آنجا داخل می‌شوند و همه واردین را در یک عرصه جمع می‌کند؟ یا طبقات و درکات مختلفی است که از نظر نوع عذاب و شدت آن با هم تفاوت دارند؛ لیکن از امیرالمؤمنین علی(ع) روایت کردند که فرمود: «دانید که درهای دوزخ چگونه باشد؟ گفتند: هم چنان که درهای ماست. گفت: نه. درهای دوزخ چنین باشد، و دست‌ها بر هم نهاد و گفت: خدای تعالی، بهشت‌ها بر عرض نهاده است و دوزخ بر درکات و طبقات

یک از زیر دیگر، درکهٔ اسفل را جهنم گویند و بالای آن لظی است و بالای آن حطمه است و بالای آن سقر است و بالای آن جحیم است و بالای آن سعیر است و بالای آن هاویه.» (همان:- ۳۲۷/۱۱)

۲۷۱

به هر حال، با وجود این که گفته شده که منظور از هفت دروازهٔ جهنم، هفت طبقهٔ آن است به نام‌های جحیم، لظی، سقر، حطمه، هاویه، سعیر و جهنم و این که افراد هر کدام به تناسب میزان کفر و گناه در طبقهٔ خاصی جای خواهند گرفت؛ لیکن به استناد آیهٔ ۷۱ سورهٔ زمر، هر طبقه‌ای از آن دروازهٔ خاصی دارد که از آن جا وارد آن طبقه می‌شوند؛ چون در آیهٔ ۷۲ همین سوره، از گشوده شدن ابواب جهنم به روی کافران سخن به میان آمده است که نشان می‌دهد منظور از آن، درهای جهنم است و نه طبقه‌های آن. سنائی در ابیات ذیل با استفاده از برآیند سازی، با استناد به آیهٔ مبارکهٔ «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ» (هجر/۴۴-۴۳)، هفت خصلت ناپسند: طمع، حرص، بخل، شهوت، خشم، حسد و کبر در رفتار انسان را به هفت در دوزخ مانند کرده است؛ در حالی که این برداشت سنائی از هفت در دوزخ می‌باشد و در قرآن به این اوصاف، اشاره‌ای نشده است:

طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم	حسد و کبر و حقّه بد پیوند
هفت در دوزخند در تن تو	ساخته نفسشان در و دربند
هین که در دست تست قفل امروز	در هر هفت محکم اند بیند

(سنائی، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

هفت در دوزخند در پرده عاقلان نامشان چنین کرده
(سنائی، ۱۳۷۷: ۳۹۷)

نگهبانان دوزخ

کارگزاران جهنم، همه از فرشتگان و بندگان مطیع خدا هستند. رئیس جهنم مالک است و حافظان زیردست او، خزنه یا زبانیهٔ دوزخ‌اند. مالک، سمت ریاست بر سایرین را دارد (زخرف/ ۷۷، غافر/ ۴۹)؛ نوزده نگهبان جهنم (مدثر/ ۳۰) فرشتگانی هستند که قطعاً مأمور به شفقت نیستند؛ بلکه مأمور به کیفر و عذاب هستند و از هیبتی برخوردارند که اگر کسی از مردم زمین به آنان نظر کند، بی‌درنگ می‌میرد. در ادبیات فارسی، سنایی، به تأسی از کلام وحی، اشاراتی به مالک دوزخ و نوزده فرشتهٔ موکل عذاب دارد. (ر.ک: سنایی، ۱۳۶۲: ۶۷۵)

مجازات و عذاب در جهنم

بنا به نص قرآن، عذاب‌های دوزخ هم روحی هستند هم جسمی.

الف. عذاب‌های جسمی: مهم‌ترین عذابی که جهنم بدان شناخته شده، آتش است که داشتن صفاتی خاص از قبیل «حامیه: آتش سوزان» (غاشیه/۴؛ قارعه/۸)، «موصده: آتش سرپوشیده» (بلد/۲۰)، برکننده پوست (مدثر/۲۹؛ معارج/۱۶-۱۵) و اینکه چیزی را باقی نمی‌گذارد (مدثر/۲۸) ویژه بودن آن را نشان می‌دهد. این آتش که به عنوان نارالله، شناخته شده (همزه/۶) و ستون‌های برافروخته دارد (مرسلات/۳۲-۳۳) برخلاف آتش‌های زمینی، از قلب‌ها آغاز می‌شود و شعله‌وری آن از درون به بیرون است (همزه/۷). علاوه بر این، نتیجه عدم بهره‌گیری از هدایت الهی، زنجیرها و اغلالی است (الانسان/۴) به طول هفتاد ذراع (حاقه/۳۲) که برای کافران آماده شده است و گناهکاران در آن روز با هم در زنجیرها بسته خواهند شد. (ابراهیم/۵۰) از گردن-های آنان تا چانه‌هایشان، غل‌هایی نهاده شده است، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فروهشته‌اند (یس/۸) و در آن هنگام که زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته، آنان را می‌کشند و در آب جوشان وارد می‌کنند، سپس در آتش دوزخ، افروخته می‌شوند. (غافر/۷۱ و ۷۲) همچنین کسانی که سیم و زر می‌اندوزند و حقوق واجبه آن را نمی‌پردازند؛ در روز قیامت در آتش جهنم خواهند سوخت و همان سیم و زری که اندوخته‌اند در آتش جهنم گداخته خواهد شد و با آن بر پیشانی و پهلوها و پشت‌های آنان داغ گذارده خواهد شد و به آنها گفته خواهد شد که این همان چیزی است که برای خود اندوخته بودید پس عذاب آنچه را که اندوخته بودید بچشید (توبه/۳۵)؛ از این‌رو، سنایی با تلمیح به همین آیه، خوانندگان را از ثروت اندوزی برحذر می‌دارد. (ر.ک: سنایی، ۱۳۷۷: ۳۶۷)

ب. عذاب‌های روحی: در آموزه‌های قرآن، به همان اندازه که شادکامی غافلانه و غرق شدن در لذایذ دنیوی، جزایش عذاب جهنم است، جزای استکبار و برتری‌طلبی در دنیا، خواری و زبونی در آخرت است. در افتادن مجرمان به آتش، با خواری همراه است (زمر/۷۱) که گاه با تعبیری از قبیل سرنگون شدن در آتش (نمل/۹۰)، رانده شدن (طور/۱۳)، به زانو درآمدن (مریم/۶۸) و گرفته شدن از پا (الرحمن/۴۱) بیان شده است. در حین عذاب نیز این خواری با تعبیری همچون ذلت (شوری/۴۵) و خزی (توبه/۶۳) آمده است (احقاف/۲۰). مهم‌ترین حرمان دوزخیان، سخن نگفتن خداوند با آنان است (بقره/۱۷۴). نخستین درخواست جهنمیان از

خازنان این است که برای آنان نزد خداوند دعا کنند (غافر/۴۹) و آنگاه که خازنان ناامیدشان می‌کنند، دست به دعا برمی‌دارند و برای اعتذار، آرزوی فدیة‌ای برای رهایی و درخواست مهلتی برای بازگشت به دنیا و جبران اعمال دارند که هیچ یک مسموع نیست. (فاطر/۳۷)

غذاها و نوشیدنی‌ها در جهنم

الف. زقوم: غذای گنهکاران است (دخان/۴۶-۴۳) از قعر آتش سوزان می‌روید. شکم دوزخیان را با آن پر می‌کند (صافات/۶۶-۶۴، واقعه/۵۲) و برای عذاب، دوباره به جهنم برمی‌گردانند؛
ب. غسلین: چرک و کثافتی است که از تن اهل دوزخ می‌ریزد و غذای دوزخیان است (الحاقه/۳۶)؛

ج. ضریع: آبی است چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند (کهف/۲۹)؛
د. غساق: آشامیدنی سیاه و چرکابی است (نبا/۲۵، ص/۵۷) که به طایغان چشاندن می‌شود؛
هـ. صدید: چرک و خونی است که از زخم و جراحت بیرون می‌آید (طیب، ۱۳۷۸: ۷/۳۷۴) و بر اساس قرآن، اهل دوزخ، به زحمت، جرعه‌جرعه آن را سر می‌کشند (ابراهیم/۱۷-۱۶)؛
و. حمیم: آمیغی از آب جوشان است (الصافات/۶۷). دروغگویان (واقعه/۹۳-۹۲) و کسانی که کفر ورزیده‌اند به سزای کفرشان شربتی از آن خواهند نوشید (یونس/۴). تبهکارانی که جهنم را دروغ می‌خواندند، میان آتش و میان آب جوشان (فصلت/۴۴-۴۳) و اصحاب شمال در میان باد گرم و آب داغ (واقعه/۹۳-۹۲) سرگردان خواهند بود. منبع این آب، چشمه‌ای در بیرون دوزخ است. دوزخیان را قبلاً برای نوشیدن آن به آنجا می‌خواندند و بعد از نوشیدن از آن، بار - دیگر، بازگشتشان به سوی دوزخ است. (الانعام/۷۰)

سنایی، کيفرهای قیامت را تجسمی از اعمال دنیوی انسان‌ها می‌داند و خشم و غضب را سبب دخول در جحیم و روی آوردن به شهوات در دنیا را سبب نوشیدن حمیم در دوزخ می‌داند:

غضبیت گه فروبرد به جحیم گه دهد شهوت شراب حمیم
(سنائی، ۱۳۷۷: ۲۰۵)

آتشگیره‌ها و هیزم جهنم

خداوند در قرآن از کافران و مشرکان، به عنوان هیزم و آتشگیره جهنم یاد می‌کند. (بقره/۲۴، تحریم/۶) سنایی، اشخاص گرفتار منیت و خودخواهی‌های دنیوی را به هیزمی مانند می‌کند که نمی‌توانند از آتش سعیر در امان باشند.

با خودی از اثیر چون گذری هیزمی، از سعیر چون گذری
(سنائی، ۱۳۷۷: ۴۱۸)

زاهد بدون تأمل را نیز همانند هیزم تری می‌داند که گرفتار نار جهنم خواهد شد (همان: ۳۸۰)؛ لذا هشدار می‌دهد که با علم به در پیش داشتن سقر، خودش را هیزم جهنم نسازد.

سقری گرسنه‌ست بر گذرت مال و جاهست هیزم سقرت
گرچه هستت چنین سقر در پیش هیزم او مشو و زو مندیش
(همان: ۴۹۷)

آنگاه با تلمیح به آیات ۲۴ سوره بقره و ۶ سوره تحریم، گناهکار را همانند سنگ دانسته و معتقد است که هر دوی آنها در قیامت علف دوزخ خواهند بود:

علف دوزخ است و ترسان است با حجر در جحیم یکسان است
مر ورا هست جای خوف و هراس خوانده در نص هم وقودها الناس
(همان: ۱۶۰)

نتیجه‌گیری

واکاوی آثار سنائی در مبحث جهنم و جهنمیان و تطبیق آن با آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که در برخی موارد سنائی بر اساس برداشت‌های شاعرانه و ذوق و قریحه خود، مضامین و موضوعاتی را مطرح کرده است که با نص قرآن تطبیق و تطابقی ندارد. به عنوان نمونه در قرآن، هیچ اشاره‌ای به مجرمانی که وارد آتش سقر خواهند شد، نشده است؛ لیکن سنائی، سقر را جایگاه آتش‌پرستان و مجوسان می‌داند و روی آوردن به سالوس و نیرنگ را از عوامل ورود به سقر می‌داند. سنایی، مهارکردن آرزوها را کلید رهایی از هاویه دانسته؛ در حالی که این مضمون در آیاتی که در آن‌ها از هاویه سخن به میان آمده؛ مطرح نشده است. در اشعار سنایی بر خلاف نص صریح قرآن، کشتن بی‌گناهان، عامل ورود به جحیم معرفی می‌شود. بنا به نص آشکار قرآن، عذاب‌های دوزخ هم روحی هستند و هم جسمی؛ در حالی که در اشعار سنائی، فقط از عذاب‌های جسمی دوزخ سخن به میان آمده است. در حقیقه، روی آوردن به شهوات در دنیا، سبب نوشیدن حمیم در دوزخ معرفی می‌شود؛ در حالی که این برداشت سنائی در قرآن به صراحت بیان نشده است. سنائی، هفت در دوزخ را تأویل کرده و بر آن باور است که هفت در دوزخ در تن انسان قرار دارد. سنائی هفت خصلت ناپسند: طمع، حرص، بُخل، شهوت، خشم،

حسد و کبر در رفتار انسان را به هفت در دوزخ مانند کرده است؛ در حالی که این برداشت سنائی از هفت در دوزخ می‌باشد و در قرآن به این موارد به صورت صریح، اشاره‌ای نشده است. سنائی بر اساس برداشت شاعرانه خود جحیم را به ضربه‌ای مانند کرده است در حالی که چنین تعبیری از دوزخ در قرآن وجود ندارد. بر اساس گفته سنائی در حدیقه، جایگاه عزازیل و معاویه در هاویه است؛ در حالی که هاویه جایگاه کسانی است که موازین ایشان سبک باشد. بر اساس برداشت‌های شاعرانه سنائی، سقر سگ‌هایی دارد که مالک، نگهبان دوزخ از آنها با استخوان‌های دوزخیان پذیرایی خواهد کرد. تمام این برداشت‌های متفاوت از آیات قرآنی در شعر سنائی صرفاً ماهیت اقناعی دارد تا با حجیت بخشی به سخنان خود بتواند مخاطب را با اقناع و با خود همراه سازد.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- ابن منظور، جمال‌الدین محمد. (۱۴۱۲ق). *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی التفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت‌امین. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- براون، ادوارد. (۱۳۶۱). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه فتح الله مجتبایی، تهران: مروارید.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، تهران: صدر.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸). *تفسیر روان جاوید*، تهران: برهان.
- جواد علی. (۱۴۲۲ق). *المفصل فی تاریخ العرب*، بی‌جا: دارالساقی.
- جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). *صاحح اللغات*، بیروت: دارالعلم.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی‌عشری*، تهران: میقات.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسن. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*، تهران: لطفی.
- خانی، رضا، و ریاضی، حشمت‌الله. (۱۳۷۲). *ترجمه بیان السعاده فی مقالات العباد*، تهران: پیام نور.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: لبنان.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۶۰). مثنوی‌های حکیم سنایی، تصحیح و مقدمه مدرس رضوی، تهران: بابک.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۶۲). دیوان/شعار، تصحیح مدرس رضوی، تهران: کتابخانه سنایی.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۷۷). حدیقه الحقیقه، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق. (۱۳۸۰). تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سید کریمی حسینی، سید عباس. (۱۳۸۲). تفسیر علّیین، قم: اسوه.
- طبرسی، سید فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطبیب‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۵، تهران: اسلام.
- عطّار، فرید الدین. (۱۳۸۳). منطق‌الطیر، تصحیح و تعلیقات شفیع کدکنی، تهران: سخن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن‌الحديث، تهران: بنیاد بعثت.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۳۶). منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین، تهران: علمی.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۷۳ق). خلاصه‌المنهج، تهران: اسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز نشر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مبیدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار، تهران: امیرکبیر.

مقالات

- حدیدی، خلیل. (۱۳۸۶). ادب عرفانی و مسئله ورود به جهنم. زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، ۵۰ (۲۰۱)، ۶۱-۴۵.
- محمدزاده، مریم. (۱۳۹۷). اقسام و القاب بهشت در قرآن و شعر فارسی تا قرن هشتم هجری. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۰ (۳۶)، ۱۹۷-۱۸۰.

پایان‌نامه‌ها

- رحیمی، فائزه. (۱۳۹۱). بهشت و جهنم در اندیشه امام خمینی و ملاصدرا، راهنما مهدیه سادات مستقیمی، قم.

رستمی‌شاهرودی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی اوصاف بهشت و بهشتیان و جهنم و جهنمیان در رساله سیرالعباد، کمدی الهی دانتیه و ارداویرافنامه، راهنما حیدرعلی دهمرده، زابل. مرعشی، ابودر. (۱۳۹۶). تطبیق اوصاف بهشت و بهشتیان و جهنم و جهنمیان در قرآن و صحیفه سجادیه، راهنما مصطفی جلالی، دانشگاه اصول‌الدین دزفول. نواری، فاطمه. (۱۳۹۲). بهشت و جهنم در اسلام و زرتشت، راهنما اشرف میکائیلی، محقق اردبیلی.

References

Books

- The Qur'an*. [In Persian]
Abu al-Futuh Razi, H. A. (1987). *Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan in the interpretation of the Qur'an*, Mashhad: Astan Quds. [In Persian]
Attar, F. (2004). *mantogoltear*, Correction and Comments by Shafi'i Kadkani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
Banoo Isfahani, S. N. A. (1982). *The Reservoir of Mysticism in the Interpretation of the Quran*, Tehran: Muslim Women Movement. [In Persian]
-Boroujerdi, S. M. I. (1987). *Comprehensive Interpretation*, Tehran: Sadr. [In Persian]
Brown, E. (1982). *History of Iranian Literature*, Trans. Fathollah Mojtabaei, Tehran: Morvarid. [In Persian]
Dehkhoda, A. A., (1998). *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: University. [In Persian]
Ghorashi, S. A. A. (1998). *Tafsir Ahsan Al-Hadith*, Tehran: Bonyade baesate. [In Persian]
Hosseini Hamedani, S. M. H. (1983). *Anwar Derakhshan*, Tehran: Lotfi. [In Persian]
Hosseini Shah Abdul Azimi, H. A. (1984). *Twelve Tafsir*, Tehran: Miqat. [In Persian]
Ibn Manzoor, J. M. (1991). *lesanolarab*, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Turab Al-Arabi. [In Persian]
Jawad Ali. (2001). *Al-Mufsal Fi Tarikh Al-Arab*, no place: Dar Al-Saqi. [In Persian]
Johari Farabi, I. H. (1986). *Sahah al-Laghat*, Beirut: Dar al-Alam. [In Persian]
Kashani, M. F. (1953). *Summary of the Methodology*, Tehran: Islamic. [In Persian]
Kashani, M. F. (1957). *Methodology of the Righteous in Obliging the Opponents*, Tehran: elmi. [In Persian]
Khani, R., & Riyazi, H. (1993). *translation of the expression of happiness in the articles of worship*, Tehran: Payam-e Noor. [In Persian]
Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nomoneh*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya. [In Persian]
Meybodi, R. (1992). *Kashf al-Asrar*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]

Mustafawi, H. (2006). *Research in the words of the Qur'an*, Tehran: Publishing Center. [In Persian]

Ragheb Isfahani, H. M. (1991). *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*, Beirut: Lebanon. [In Persian]

Saghafi Tehrani, M. (2019). *Tafsir Ravan Javid*, Tehran: Borhan. [In Persian]

Sanai, M. A. (1981). *Masnavi of Hakim Sanaei*, correction and introduction by Modarres Razavi, Tehran: Babak. [In Persian]

Sanai, M. A. (1983). *Poetry Divan*, edited by Modarres Razavi, Tehran: Sanai Library. [In Persian]

Sanai, M. A. (1998). *Hadiqah al-Haqiqah*, edited by Modarres Razavi, Tehran: University. [In Persian]

Seyyed Karimi Hosseini, S. A. (2003). *Tafsir Aliin*, Qom: oswa. [In Persian]

Surabadi, A. A. (2001). *Tafsir Surabadi*, Tehran: Farhang Nashr-e No.

-Tabarsi, S. F. H. (1993). *Al-Bayyan Complex in the Interpretation of the Qur'an*, Tehran: Nasir Khosrow. [In Persian]

Tayyib, S. A. H. (1999). *Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran*, vol. 5, Tehran: Islam. [In Persian]

Articles

Hadidi, Kh. (2007). Mystical Literature and the Problem of Entering Hell. *Persian Language and Literature, University of Tabriz*, 50(201), 61-45. [In Persian]

Mohammadzadeh ,M. (2018). investigation of types and titles of heaven in the the Qur'an and Persian poetry until 8 century. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 10(36), 197-180. [In Persian]

Theses

Marashi, A. (2017). *Application of the descriptions of heaven and paradise and hell and hellfire in the Qur'an and Sahifa Sajjadih*, Supervisor Mustafa Jalali, Osul-ud-Din University of Dezful. [In Persian]

Navari, F. (2013). *Heaven and Hell in Islam and Zoroastrianism*, Supervisor Ashraf Mikaeli, Mohaghegh Ardabili. [In Persian]

Rahimi, F. (2012). *Heaven and Hell in the Thought of Imam Khomeini and Mulla Sadra*, Supervisor Mahdieh Sadat Direct, Qom. [In Persian]

Rostamieh Shahroudi, A. R. (2017). *A Comparative Study of the Attributes of Heaven and Heavenmen and Hell and Hellmen in the Treatise of Sir al-Ebad, Dante's Divine Comedy and Ardavirafnameh*, Supervisor Haidar Ali Dehmardeh, Zabol. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 62, Winter 2024, pp.260-279

Date of receipt: 12/6/2023, Date of acceptance: 10/8/2023

(Research Article)

DOI:

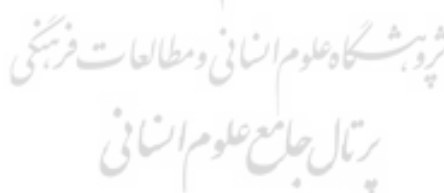
Hell in Sanai poetry (Descriptions and interpretations different from the Quran)

Dr. Maryam Mohammadzadeh¹

Abstract

That is, poetry can be divided into before and after Sanai, Sanai Ghaznavi is the most constructive poet of the Persian language. That is why, many thoughts, beliefs and themes in Sanai poetry are different from the poets before him or contemporary with him. Sanai's different interpretations of the Qur'an indicate his aristocracy and great mastery of the Qur'an. Among the subjects that can be emphasized in Sana'i poetry by referring to these interpretations, interpretations and different images of the Qur'an; It is the subject of hell and its manifestations. The findings of this study show Sanai, as a poet and mystic, considers hell as a place for the punishment of sinners in the hereafter. But his descriptions, poetic conceptions, and esoteric perceptions of the concept of hell are sometimes different and even inconsistent with the Qur'an. And some of his descriptions of Hell and Hell-dwellers do not correspond to any of the verses of the Qur'an. These different interpretations of Qur'anic verses in Sana'i poetry are purely persuasive. And the poet has tried to persuade and accompany the audience by protesting and legitimizing his words.

Keywords: Hell, Quran, Different perceptions, Sanai Ghaznavi.



¹ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran. ay_maryam@yahoo.com